

بررسی نقش ویژگی‌های شخصیت مادر، تعارض زناشویی مادر، سبک حل تعارض مادر و سبک حل تعارض دختر در پیش‌بینی تعارض مادر - دختر

معصومه پورباقرانی^{۱*}، عذرا اعتمادی^۲، مهدی اکبرزاده^۳، رضوان السادات جزایری^۴

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف پیشنهاد یک مدل برای تبیین تعارض مادر- دختر (تعارض مادر با دختر و تعارض دختر با مادر) بر اساس ویژگی‌های شخصیت مادر، تعارض زناشویی مادر، سبک حل تعارض مادر و سبک حل تعارض دختر انجام شد.

روش: این مطالعه از نوع مطالعات همبستگی با اتکا به آزمون‌های آماری رگرسیون چندمتغیره و مدلیابی معادلات ساختاری بود. با نمونه‌ای از ۱۶۰ زوج دختر نوجوان و مادر، که بصورت تصادفی طبقه‌ای از بین دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهرستان نایین و مادران آنها انتخاب شده بودند؛ انجام شد. ابزار این پژوهش شامل شاخص نگرش‌های والدینی، مقیاس نگرش نسبت به مادر، پرسشنامه تعارضات زناشویی، پنج عاملی نئو و سبک‌های مدیریت تعارض بود.

نتایج: نتایج مدلیابی معادلات ساختاری نشان داد که متغیرهای پژوهش در مجموع توانستند ۷۱ درصد حجم واریانس تعارض دختر با مادر و ۵۹ درصد حجم واریانس تعارض مادر با دختر را تبیین کنند ($P < 0/05$). تعارض دختر، بیش‌ترین تاثیرپذیری (۵۵ درصد) را از سبک حل تعارض دختر داشته است ($R^2 = 0/55$; $F = 0/74$) در حالی که، در تعارض مادر با دختر، بیش‌ترین حجم تاثیرپذیری (۲۹ درصد) از تعارض زناشویی مادر بوده است ($R^2 = 0/29$; $F = 0/54$). شاخص‌های برازش از سودمندی این مدل حمایت کرد.

واژه‌های کلیدی: تعارض دختر با مادر، تعارض مادر با دختر، سبک حل تعارض، تعارض زناشویی، ویژگی‌های شخصیت.

^۱ - کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

^۲ - دانشیار گروه مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

^۳ - دانشجوی دکتری مشاوره شغلی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

^۴ - استادیار گروه مشاوره خانواده دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

* نویسنده مسوول مقاله: m.bafrani2012@yahoo.com

مقدمه

واژه تعارض^۱ اشاره به ناتوانی در حل تفاوت‌ها دارد و بیش‌تر اوقات با تنش، خصومت یا پرخاشگری همراه است (Hall, 1997). تعارض شدید بین والدین و نوجوان هنگامی پدید می‌آید که تمایل نوجوانان برای آزادی با تلاش والدین برای تنظیم رفتار آنان تلاقی داشته باشد (Laursen & Koplas, 1995). نتایج پژوهش‌ها نشانگر آن است که تعارض بیش‌تر بین فرزندان و مادر است تا فرزندان و پدر بویژه تعارضات در بین مادران و دختران شایع‌تر است (Shek & Ma, 2001., Allison & Jearlyn, 2004). بلوغ با افزایش فاصله والدین-کودک و تعارض، بویژه بین نوجوانان دختر و مادرانشان مرتبط است (Grief & Ulman, 1982., Anderson, Hetherington, Clingempeel, 1989., Marceau, Dorn, Susman, 2012). دختر^۲ به عنوان بحث‌های کلامی تکرارشونده و الگوهای تعامل خانوادگی منفی بین دختران و مادرانشان با در نظر گرفتن مسائل گوناگون است که بارها حل نشده باقی می‌ماند (Long, 2001). بنابر یافته‌های بالز (Ballz, 2000) تعارض مادر-دختر زمانی که دختر سنین ۱۳ تا ۱۹ سال را می‌گذراند بیش‌تر تکرار می‌شود.

ارتباط مثبت والد-نوجوان باعث سلامت روان، سطوح بالای عزت نفس، رضایت از زندگی و به طور کلی شادکامی و به همان اندازه سطوح پایین علایم پریشانی جسمی، خودکشی و پریشانی عاطفی می‌شود؛ هم‌چنین ادراک نوجوان از این ارتباطات مثبت، می‌تواند نقش حمایتی در برابر مصرف سیگار، الکل و سایر مواد مخدر داشته باشد (Heir et al, 2009). از طرفی، پژوهش‌ها نشان دادند تعارض بین مادران و دختران با فرار از خانه (Samani, 2010)، ناسازگاری دختران (Taylor, 2004) Bashardoost, 2005.، مشکلات رفتاری شامل پرخاشگری و درگیری (Prata, 2006., Blong, Tuicompi & Retting, 2008)، کاهش عملکرد تحصیلی (Krishnan, 2004)، افسردگی دختران (Krishnan, 2004)، بزهکاری (Krishnan, 2004)، و کاهش عزت نفس دختران (Makdvnal, Carlson & Moitra & Moukherjee, 2012). بنابراین با توجه به این سطح آسیب‌زایی تعارض مادر-دختر در ایجاد مشکلات رفتاری، روانی و اجتماعی دختران، تدبیر مدل‌هایی برای تبیین و پیش‌بینی آن می‌تواند یکی از مهمترین کمک‌ها به تضمین سلامت خانواده و نوجوان باشد.

عوامل مختلفی تعارض مادر-دختر را تحت تأثیر قرار می‌دهند که از این بین می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی مادر (Heaven, Newbury & Mak, 2004., Oliver, Guerin & Coffman, 2010), تعارض زناشویی مادر (Rutter, 1977., Doyle & Makiewicz, 2009), Haver et al,

¹- Conflict

²- mother-daughter conflict

Robin & Foster, 1989., Lang- Ann- Yu, 2000., Muriel, Brange & Wim, 2007., Arcidiacono & Dumlaio & Botta, 2000., Jaffe & Zurilla, 2003;) و سبک حل تعارض دختر (Bovab, 2011) و سبک حل تعارض مادر (Robin & Foster, 2005., Stutzman & et al, 2011., Shin & et al, 2012) اشاره کرد. (Risch, Jackson, Chanchong, 2003; Elvira & Bruna, 2009)

یکی از علل تعارض‌های میان فردی ریشه در ساخت شخصیتی افراد دارد. در این رابطه عوامل متعددی می‌توانند در بروز تعارض، شدت بخشیدن به آن و یا برعکس، مدیریت تعارض نقش داشته باشند؛ عواملی مانند نوع خودانگاره، میزان انعطاف‌پذیری، وضوح اهداف و سطح هیجان‌پذیری، همگی بر پدیده تعارض تاثیر دارند (Harigopal, 1995).

الیور، گورین و کافمن (Oliver, Guerin & Coffman, 2009)، نشان دادند روان رنجوری کمتر، توافق‌پذیری بیش‌تر و وجدان‌گرایی بالاتر والدین با رفتارهای مشارکتی و ارتباط بیش‌تر با نوجوان و آسان‌گیری در ایجاد محدودیت برای نوجوان مرتبط است. و این رفتارهای مشارکتی والدین و آسان‌گیری در ایجاد محدودیت برای نوجوان با مشکلات برون‌سازی شده کمتری در نوجوان همراه می‌باشد.

مادران و پدران بر سازگاری فرزندان‌شان به طور مستقیم از طریق تعامل‌ها (شامل: نشان دادن عواطف خود یا تنبیه فرزندان) و به صورت غیرمستقیم از طریق بروز تعارض زناشویی و فشارهای روانی خانوادگی تاثیر دارند (Bush, 1996). تعارض بین والدین یکی از مشکلاتی است که کودکان و نوجوانان سراسر دنیا با آن مواجه هستند و تقریباً همه فرزندان حدی از تعارض بین والدین را تجربه و آن را به عنوان منبع تنیدگی معرفی می‌کنند (Cummings, Kouros & Papp, 2007).

تحقیقات بلاک، بلاک و موریسون (Bellak, Bellak & Morrison, 1981) و راتر (Rutter, 1977) نشان داد، نزاع و تعارض‌های مداوم بین والدین برای فرزندان، هم از سهل‌گیری افراطی و هم از محدودیت افراطی ویرانگرتر است.

سبک‌های تعارض، پاسخ‌ها یا مجموعه‌ای از رفتارهای الگو برداری شده هستند که افراد هنگام تعارض از آنها استفاده می‌کنند و بر اساس دو محور طبقه‌بندی می‌شوند: قاطعیت یعنی حل تعارض بر حسب منافع خود و مشارکت ورزی یعنی حل تعارض بر اساس منافع طرف مقابل (Hocker & Wilmot, 2000). رحیم و مگنر (Rahim & Magner, 1955)، ۵ نوع سبک حل تعارض را معرفی می‌کنند: اجتنابی، خدمتکارانه، سلطه‌گرانه، مصالحه‌گرانه و موتلفانه.

رابین و فاستر (Robin & Foster, 1989)، مهارت ضعیف در حل مساله و استفاده از راه حل-های تعارض‌زا را به عنوان یکی از عواملی که خانواده را مستعد تعارض شدید می‌کند؛ در نظر می‌گیرند. آنها مولفه‌های مشخص‌کننده سبک‌های حل تعارض نادرست و ناکارآمد را حالت دفاعی داشتن، امرکردن، نادیده گرفتن و طرد کردن می‌دانند.

در مجموع مبانی نظری و پژوهشی نشان دادند که ویژگی‌های شخصیت مادر، تعارض زناشویی مادر، سبک حل تعارض مادر و سبک حل تعارض دختر با تعارض مادر- دختر رابطه دارد. ولی هیچ یک از پژوهش‌ها، به کیفیت ارتباط این چهار متغیر پیش بین در ترکیب با هم در پیش بینی تعارض مادر- دختر، نپرداخته‌اند. هم‌چنین در پژوهش‌های قبلی به این موضوع نیز که کدام یک از ابعاد این متغیرهای پیش بین، تاثیر بیش تری بر تعارض مادر- دختر دارد؛ اشاره نشده است. بنابراین این تحقیق به منظور بررسی نقش ترکیبی این متغیرها در پیش بینی تعارض مادران و دختران نوجوان و تعیین سهم هر یک از متغیرها، طراحی شد.

فرضیه‌های پژوهش

۱. ویژگی‌های شخصیت مادر، تعارض زناشویی مادر، سبک حل تعارض مادر و سبک حل تعارض دختر، تعارض دختر با مادر را پیش بینی می‌کنند.
۲. ویژگی‌های شخصیت مادر، تعارض زناشویی مادر، سبک حل تعارض مادر و سبک حل تعارض دختر، تعارض مادر با دختر را پیش بینی می‌کنند.
۳. مدل مرکب از متغیرهای پیش ویژگی‌های شخصیت مادر، تعارض زناشویی مادر، سبک حل تعارض مادر و سبک حل تعارض دختر در پیش بینی تعارض مادر- دختر (تعارض مادر با دختر و تعارض دختر با مادر) از برازش آماری و سودمندی عملی لازم برخوردار است.

روش پژوهش

این مطالعه از نوع مطالعات همبستگی با اتکا به آزمون‌های آماری رگرسیون چندمتغیره و مدل‌یابی معادلات ساختاری بود.

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش را دانش آموزان دختر پایه دوم و سوم راهنمایی شهرستان نایین که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مشغول به تحصیل بوده‌اند و مادران آنها تشکیل می‌دادند. برای نمونه گیری از روش نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد. به این صورت که از همه مدارس دخترانه شهرستان نایین با توجه به تعداد دانش آموزان هر مدرسه نمونه‌ها انتخاب شدند. حجم نمونه، ۱۶۰ جفت دختر و مادر، در نظر گرفته شد. به همین منظور تعداد ۴۰۰ پرسشنامه بین نوجوانان و مادران آنها توزیع شد و از این تعداد، ۳۲۰ پرسشنامه به صورت کامل برگشت داده شد.

مادران در دامنه سنی ۳۱ تا ۵۱ سال (۳۹/۷۶= میانگین، ۴/۶۴= انحراف معیار)، و دختران در دامنه سنی ۱۳ تا ۱۶ سال (۱۴/۰۶= میانگین، ۰/۷۵= انحراف معیار) بودند. در تمام نمونه دختران، پدران زنده بودند. در نمونه مادران، ۸۶٪ (۱۳۵ نفر) خانه‌دار و ۱۴٪ (۲۲ نفر) شاغل بودند؛ ۴۲/۷۰٪ (۶۷ نفر) تحصیلات ابتدایی، ۲۴/۲۰٪ (۳۸ نفر) سوم راهنمایی، ۲۳/۶۰٪ (۳۷ نفر) دیپلم، ۳/۲۰٪ (۵ نفر) فوق دیپلم، ۵/۷۰٪ (۹ نفر) لیسانس، و ۰/۶۰٪ (۱ نفر) فوق لیسانس و بالاتر داشتند. در

مجموع نمونه مادران و دختران، ۱۰/۸۰٪ (۱۷ مورد) درآمد زیر ۳۰۰ هزار، ۴۲/۷۰٪ (۶۷ نفر) بین ۳۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار، ۳۲/۵۰٪ (۵۱ مورد) ۵۰۰ تا یک میلیون، ۱۳/۴۰٪ (۲۱ مورد) یک تا دو میلیون، ۰/۶۰٪ (۱ مورد) در آمد بالاتر از ۲ میلیون را برای خانواده خود گزارش کردند.

ابزارهای پژوهش

۱. شاخص نگرش‌های والدینی^۱ والتر دلبیو. هادسون (Walter W. Hudson)

از این پرسشنامه برای سنجش میزان تعارض مادر- نوجوان از دید مادر استفاده شد. یک مقیاس ۲۵ گزینه‌ای است که برای اندازه‌گیری مقدار، شدت و یا اهمیت مشکلات ارتباطی والدین- فرزند که از جانب والدین درک و گزارش می‌شود، طراحی شده است. این پرسشنامه دو نقطه برش دارد. نقطه برش اول نمره ۳۰ است. نمرات زیر ۳۰ عدم وجود مشکلات بالینی معنادار را در این حوزه نشان می‌دهد و نمرات بالاتر از ۳۰ وجود مشکلات معنادار بالینی را نشان می‌دهد. نقطه برش دوم نمره ۷۰ است که نشانگر تجربه استرس شدید و احتمال زدن به برخی از انواع خشونت برای برخورد با مشکلات می‌باشد.

شیوه نمره گذاری: همانند اکثر ابزارهای سنجشی WALMYR در ابتدا با نمره گذاری معکوس گزینه‌های (۲۴، ۲۱، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۸، ۵، ۳، ۲) و با جمع بستن همه نمرات و کسر کردن تعداد ماده‌های تکمیل شده از آن و ضرب کردن عدد به دست آمده در ۱۰۰ و تقسیم آن به تعداد ماده‌های تکمیل شده ضرب در ۶ نمره گذاری می‌شود. این عملیات یک دامنه ۰ تا ۱۰۰ را به دست می‌دهد که در آن نمرات بالاتر نشانگر میزان یا شدت بالای مشکلات می‌باشد. اعتبار: با میانگین آلفای ۰/۹۷، ثبات درونی بالا و خطای استاندارد فوق العاده پایین با میزان ۳/۶۴ رانشان می‌دهد. روایی: این پرسشنامه در گروه‌های شناخته شده اعتبار خوبی دارد و به طور معناداری بین پاسخ دهنده‌هایی که توسط خودشان و مشاورانشان دارای مشکلات ارتباطی خانوادگی تشخیص داده شده‌اند، تمایز قائل می‌شود. این مقیاس از اعتبار سازه نیز برخوردار است و با سایر درجه بندی های ارتباط خانواده و ارتباط والدین- فرزند همبستگی خوبی دارد (Fatehizadeh et al, 2011). برای پژوهش فعلی، نتایج محاسبه پایایی این ابزار در جدول ۱ گزارش شده است (به روش محاسبه همسانی درونی با آلفای کرونباخ).

۲. مقیاس‌های نگرش فرزند نسبت به مادر^۲ والتر دلبیو، هادسون (Walter W. Hudson)

از این پرسشنامه برای سنجش میزان تعارض مادر- نوجوان از دید نوجوان استفاده شد. این مقیاس یک ابزار ۲۵ سوالی است که برای اندازه‌گیری دامنه، میزان یا شدت مشکلات فرزند با

¹- Index Of Parental Attitudes (IPA)

²- Child, s Attitude Toward Mother

مادرش تدوین شده است. این مقیاس، جزء معدود ابزارهایی هست که مشکلات رابطه ولی - فرزندی را از دید فرزند اندازه‌گیری می‌کند. همانند اکثر ابزارهای سنجشی WALMYR در ابتدا با نمره گذاری معکوس گزینه‌های (۲۴، ۲۱، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۸، ۳، ۲) و با جمع بستن همه نمرات و کسر کردن تعداد ماده‌های تکمیل شده از آن و ضرب کردن عدد به دست آمده در ۱۰۰ و تقسیم آن به تعداد ماده‌های تکمیل شده ضرب در ۶ نمره گذاری می‌شود. این عملیات یک دامنه ۰ تا ۱۰۰ را به دست می‌دهد که در آن نمرات بالاتر نشانگر میزان یا شدت بالای مشکلات می‌باشد.

میانگین آلفای نگرش فرزند به مادر، ۰/۹۴ و خطای استاندارد اندازه‌گیری، ۴/۵۷ است. همبستگی بازآزمایی بعد از یک هفته با ۰/۹۵ نشان می‌دهد که این مقیاس از پایایی یا ثبات عالی برخوردار است. این مقیاس از روایی پیش بین خوبی برخوردار است، زیرا پاسخ‌های فرزندان درباره مشکلات ایشان با مادرشان را به طور معناداری پیش بینی می‌کند (Sanayi, 2008). نتایج محاسبه پایایی این ابزار در جدول ۱ گزارش شده است.

۳. پرسشنامه سبک‌های مدیریت تعارض رحیم^۱

پرسشنامه سبک‌های مدیریت تعارض که توسط رحیم (Rahim, 1997)، ساخته شده است دارای ۲۸ سوال است و پنج سبک همکاری (۲۸،۲۳،۲۲،۱۲،۵،۴،۱)، اجتنابی (۲۷،۲۶،۱۷،۱۶،۶،۳)، مصالحه‌ای (۲۰،۱۵،۱۴،۷)، رقابتی (۲۵،۲۱،۱۸،۹،۸) و انطباقی (۲۴،۱۹،۱۳،۱۱،۱۰،۲) را می‌سنجد. این پرسشنامه دارای طیف لیکرت کاملاً موافق تا کاملاً مخالف است و نمرات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ به ترتیب از چپ به راست برای گزینه‌های سوالات پرسشنامه برگزیده شده است. رحیم (Rahim, 1997)، برای بررسی پایایی هم‌زمان پرسشنامه مذکور از روش بازآزمایی استفاده کرد که ضریب همبستگی بین دو اجرای آزمون بین ۰/۶۰ تا ۰/۸۳ به دست آمد. قادرپور (Ghaderpoor, 2009)، پایایی این پرسشنامه را بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۳ گزارش کرده است. هم‌چنین روایی محتوایی این پرسشنامه توسط چندتن از اساتید دانشگاه اصفهان مورد تایید قرار گرفته است (Cited in koochi, 2009). برای پژوهش فعلی، نتایج محاسبه پایایی این ابزار در جدول ۱ گزارش شده است (به روش محاسبه همسانی درونی با آلفای کرونباخ).

۴. پرسشنامه تعارضات زناشویی^۲

پرسشنامه تعارضات زناشویی توسط قلیلی و فاتحی زاده (Ghalili & Fatehizadeh, 2004)، ساخته شده است. این پرسشنامه ابزاری ۵۴ سوالی است که پنج بعد از تعارضات زن و شوهر را می‌سنجد. این ابعاد عبارتند از تفاوت در ادراک (از سوال ۱ تا ۱۳)؛ تعاملات (از سوال ۱۳ تا ۲۵)؛ قدرت/کنترل (از سوال ۲۵ تا ۳۶)؛ عواطف/نیازها (از سوال ۳۶ تا ۴۵)؛ عوامل محیطی/اطرافیان (از

^۱- Rahim, Organizational Conflict Inventory (ROCI- 2)

^۲- Marital Conflict Questioner

سوال ۴۵ تا آخر). روایی محتوایی پرسشنامه توسط چندین متخصص تایید گردیده و پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ $0/95$ به دست آمده است. هر سوال آزمون دارای یک مقیاس ۵ درجه ای (همیشه: ۵، اکثر اوقات: ۴، گاهی وقتها: ۳، به ندرت: ۲، هیچوقت: ۱) می‌باشد. تمام سوالات به صورت مستقیم نمره گذاری می‌شود. نمره بالا نشانه تعارض بالا و نمره پایین نشان دهنده روابط زناشویی بهنجار است. حداقل نمره ۵۴ و حداکثر ۲۷۰ می‌باشد (Cited in Hakimi, 2010). برای پژوهش فعلی، نتایج محاسبه پایایی این ابزار در جدول ۱ گزارش شده است (به روش محاسبه همسانی درونی با آلفای کرونباخ).

۵. پرسشنامه پنج عاملی نئو^۱

پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی بزرگ (Kasta & Makker, 1989)، ۲۴۰ ماده دارد و پنج محور بزرگ شخصیتی را ارزیابی می‌کند. فرم کوتاه این پرسشنامه از ۶۰ ماده تشکیل شده که هر ۱۲ ماده آن یکی از ۵ محور بزرگ شخصیت را اندازه‌گیری می‌کند. نمره گذاری این آزمون بر اساس طیف لیکرت است و به هر سوال از ۱ تا ۵ نمره تعلق می‌گیرد. نمرات هر عامل جداگانه محاسبه می‌شود و در نهایت ۵ نمره به دست می‌آید که مربوط به پنج محور شخصیت (روان رنجوری، برونگرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی) است. کیامهر (Kyiamehr, 2002)، فرم کوتاه این پرسشنامه را بر روی ۳۸۰ نفر از دانشجویان دانشکده علوم انسانی تهران اعتباریابی کرد و برای تعیین روایی از روایی همزمان و تحلیل عاملی استفاده نمود. ضریب همبستگی حاصل از روایی همزمان بین فرم کوتاه و بلند این پرسشنامه بین $0/41$ تا $0/71$ به دست آمد. همچنین در این پژوهش برای بررسی پایایی فرم کوتاه پرسشنامه مذکور از روش بازآزمایی استفاده شد که ضریب همبستگی بین دو اجرای آزمون بین $0/65$ تا $0/86$ به دست آمد. ضریب حاصل از همسانی درونی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ بین $0/54$ تا $0/79$ به دست آمد (Kyiamehr, 2002). برای پژوهش فعلی، نتایج محاسبه پایایی این ابزار در جدول ۱ گزارش شده است (به روش محاسبه همسانی درونی با آلفای کرونباخ).

¹ - NEO-Five Factor Inventory

نتایج:

جدول ۱. پایایی و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش.

پایایی ۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	
۰/۸۱																					
۰/۷۳	۰/۵۶																				
۰/۶۴	۰/۱۸	۰/۰۰																			
۰/۶۱	۰/۰۰	۰/۴۶	۰/۰۰																		
۰/۶۷	۰/۴۱	۰/۲۶	۰/۰۰	۰/۲۵																	
۰/۷۸	۰/۳۵	۰/۲۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰																
۰/۷۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۸	۰/۰۰															
۰/۶۳	۰/۰۰	۰/۱۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰														
۰/۶۷	۰/۱۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۱	۰/۳۷	۰/۱۶	۰/۰۰													
۰/۶۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۲	۰/۳۰	۰/۰۰	۰/۲۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۰/۳۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۰/۷۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۰	۰/۲۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۴۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۰/۵۲	۰/۰۰	۰/۱۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۳۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۰/۶۶	۰/۰۰	۰/۲۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۳	۰/۴۰	۰/۴۶	۰/۱۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۰/۷۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۰/۸۱	۰/۲۲	۰/۱۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۸	۰/۱۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۵	۰/۰۰	۰/۴۶	۰/۴۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۰/۸۷	۰/۲۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۶	۰/۲۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۶	۰/۰۰	۰/۴۰	۰/۳۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۰/۷۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۲	۰/۰۰	۰/۲۴	۰/۳۰	۰/۰۰	۰/۳۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۰/۸۵	۰/۲۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۹	۰/۲۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۰	۰/۰۰	۰/۳۲	۰/۳۷	۰/۰۰	۰/۳۳	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۰/۷۶	۰/۱۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۱	۰/۲۲	۰/۳۲	۰/۳۵	۰/۰۰	۰/۳۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۰/۹۳	۰/۵۷	۰/۵۴	۰/۱۸	۰/۲۲	۰/۱۶	۰/۳۹	۰/۲۱	۰/۰۰	۰/۲۶	۰/۰۰	۰/۲۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۰/۹۰	۰/۳۷	۰/۳۲	۰/۰۰	۰/۱۹	۰/۰۰	۰/۵۴	۰/۲۱	۰/۰۰	۰/۴۴	۰/۰۰	۰/۳۴	۰/۳۶	۰/۱۷	۰/۴۱	۰/۰۰	۰/۵۳	۰/۵۰	۰/۴۲	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۵۱

*. ضرابی که به ۰/۰۰ مشخص شده اند، ضرایب فاقد معناداری آماری، و سایر ضرایب دارای معناداری آماری هستند. س.ح: سبک حل تعارض؛ (د): متغیرهای مرتبط با دختران؛ (م): متغیرهای مرتبط با مادران؛ ش: شخصیت؛ ت.ز: تعارض زناشویی.

فرضیه اول: ویژگی‌های شخصیت مادر، تعارض زناشویی مادر، سبک حل تعارض مادر و سبک حل تعارض دختر، تعارض دختر با مادر را پیش بینی می‌کنند.

مطابق با نتایج جدول ۱، تعارض دختر به ترتیب با نمرات پایین در سبک حل تعارض همکاری دختر ($r = -0/57$)، سبک حل تعارض انطباق دختر ($r = -0/54$)، سبک حل تعارض همکاری مادر ($r = -0/39$)، نمره بالا در بعد محیطی تعارض زناشویی مادر ($r = 0/39$)، بعد تعامل تعارض زناشویی ($r = 0/34$)، بعد عاطفی تعارض زناشویی ($r = 0/34$)، بعد ادراک تعارض زناشویی ($r = 0/32$)، شخصیت روان رنجور مادر ($r = 0/28$)، نمره پایین در شخصیت توافق پذیر مادر ($r = -0/27$)، سبک حل تعارض اجتنابی مادر ($r = -0/26$)، سبک حل تعارض اجتنابی دختر ($r = -0/22$)، سبک حل تعارض انطباقی مادر ($r = -0/21$)، نمره بالا در بعد کنترل تعارض زناشویی ($r = 0/19$)، سبک حل تعارض رقابتی دختر ($r = 0/18$)، و نمره پایین در سبک حل تعارض مصالحه دختر ($r = -0/16$) همبستگی معناداری داشته است.

جدول ۲. چکیده نتایج رگرسیون سلسله مراتبی نقش متغیرهای پیش بین در تبیین تغییرات

تعارض دختر با مادر*.

مدل	R	R ²	خطای معیار برآورد	تغییرات R ²	تغییرات F	df1	df2	معناداری آماري تغییرات
س.ح.همکاری (د)	۰/۵۷	۰/۳۳	۱۳/۱۷	۰/۳۳	۷۷/۰۹	۱	۱۵۸	۰/۰۰۰۵
ت.ز.محیطی (م)	۰/۶۵	۰/۴۲	۱۲/۲۸	۰/۰۹	۲۴/۹۲	۱	۱۵۷	۰/۰۰۰۵
ش.ر.انرنجوری (م)	۰/۶۷	۰/۴۵	۱۱/۹۶	۰/۰۳	۹/۳۵	۱	۱۵۶	۰/۰۰۳
س.ح.انطباق (د)	۰/۶۹	۰/۴۸	۱۱/۷۰	۰/۰۳	۸/۱۵	۱	۱۵۵	۰/۰۰۵
س.ح.رقابتی (د)	۰/۷۰	۰/۴۹	۱۱/۵۸	۰/۰۱	۴/۰۷	۱	۱۵۴	۰/۰۴

*. مدل رگرسیون در این جدول تنها محدود به ضرابی است که نقشی معنادار در افزایش توان تبیین مدل داشته اند. س.ح: سبک حل تعارض؛ (د): متغیرهای مرتبط با دختران؛ (م): متغیرهای مرتبط با مادران؛ ش: شخصیت؛ ت.ز: تعارض زناشویی.

همان‌گونه که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، مجموع ۵ متغیر گنجانده شده در مدل، توانسته اند ۴۹ درصد واریانس تعارض دختر با مادر را تبیین نمایند. در این مدل، سبک حل تعارض همکاری دختر بارز ترین نقش را داراست (با ۳۳ درصد پوشش واریانس). در گام دوم، تعارضات زناشویی

مادر در بعد محیطی ۹ درصد ($P=0/0005$)؛ در گام سوم، نمره مادر در شخصیت روان‌رنجور، ۳ درصد ($P=0/003$)؛ در گام چهارم، نمره دختر در سبک حل تعارض انطباقی، ۳ درصد ($P=0/005$)؛ و در گام پنجم، نمره دختر در سبک حل تعارض رقابتی، ۱ درصد ($P=0/04$)، توان تبیین مدل را افزایش داده اند.

فرضیه دوم: ویژگی‌های شخصیت مادر، تعارض زناشویی مادر، سبک حل تعارض مادر و سبک حل تعارض دختر، تعارض مادر با دختر را پیش بینی می‌کنند.

تعارض مادر هم به ترتیب با نمره پایین در سبک حل تعارض همکاری مادر ($r=-0/54$)، نمره بالا در بعد ادراک تعارض زناشویی ($r=0/53$)، بعد تعامل تعارض زناشویی ($r=0/50$)، بعد عاطفی تعارض زناشویی ($r=0/50$)، بعد محیطی تعارض زناشویی ($r=0/48$)، و بعد کنترل تعارض زناشویی ($r=0/42$)، نمره پایین در شخصیت توافق پذیری مادر ($r=0/41$)، سبک حل تعارض همکاری دختر ($r=-0/37$)، شخصیت برونگرای مادر ($r=-0/36$)، نمره بالا در شخصیت روان‌رنجوری مادر ($r=0/34$)، نمره پایین در سبک حل تعارض انطباقی دختر ($r=-0/32$)، سبک حل تعارض انطباق مادر ($r=-0/21$)، سبک حل تعارض اجتنابی دختر ($r=-0/19$)، و شخصیت تجربه‌گرایی مادر ($r=-0/17$) همبستگی معناداری داشته است.

جدول ۳. چکیده نتایج رگرسیون سلسله مراتبی نقش متغیرهای پیش بین در تبیین تغییرات تعارض مادر با دختر*.

معناداری آماری تغییرات	df2	df1	تغییرات F	تغییرات R^2	خطای معیار برآورد	R^2	R	مدل
0/0005	158	1	66/41	0/30	8/43	0/30	0/54	س.ج.همکاری (م)
0/0005	157	1	33/21	0/12	7/69	0/42	0/65	ت.ز.ادراک (م)
0/009	156	1	7/07	0/03	7/54	0/44	0/67	س.ج.همکاری (د)
0/003	155	1	8/97	0/03	7/36	0/47	0/69	ت.ز.محیطی (م)

*. مدل رگرسیون در این جدول تنها محدود به ضرایبی است که نقشی معنادار در افزایش توان تبیین مدل داشته اند. س.ج: سبک حل تعارض؛ (د): متغیرهای مرتبط با دختران؛ (م): متغیرهای مرتبط با مادران؛ ش: شخصیت؛ ت.ز: تعارض زناشویی.

مطابق با نتایج جدول ۳، مجموع ۴ متغیر گنجانده شده در مدل، توانسته اند ۴۹ درصد واریانس تعارض مادر با دختر را تبیین نمایند. در این مدل، سبک حل تعارض همکاری مادر بارز ترین نقش را داراست (با ۳۰ درصد پوشش واریانس). در گام دوم، تعارض زناشویی مادر در بعد ادراک ۱۲

شکل ۱. تصویر مدل برازش یافته حاصل از ترکیب ابعاد سبک حل تعارض دختر، سبک حل تعارض مادر، شخصیت مادر، و تعارض زناشویی مادر در پیش بینی تعارض مادر- دختر. همه ضرایب این مدل معنادار بوده اند ($P < 0/05$).

بنابر نتایج گزارش شده در شکل ۱، مدل ساختاری پیشنهاد شده پژوهش در نهایت ۷۱ درصد حجم واریانس تعارض دختر با مادر و ۵۹ درصد حجم واریانس تعارض مادر با دختر را تبیین کرده است. تعارض دختر، بیش‌ترین تاثیرپذیری (۵۵ درصد) را از سبک حل تعارض دختر داشته است ($R^2 = 0/55$; $F = 0/74$) در حالی که، در تعارض مادر با دختر، بیش‌ترین حجم تاثیرپذیری (۲۹ درصد) از تعارض زناشویی مادر بوده است ($R^2 = 0/29$; $F = 0/54$). این نتایج حاکی از معناداری عملی مدل مرکب از سبک حل تعارض مادر، شخصیت مادر، تعارض زناشویی مادر، و سبک حل تعارض دختر در تعارض مادر- دختر بوده است.

جدول ۴، خلاصه نتایج برازش مدل ارائه شده در شکل ۱ را گزارش می‌کند. این نتایج عبارت اند از شاخص‌های برجسته برازش مطلق، برازش نسبی و شاخص‌های مقتصد.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل پیش بین تعارض مادر- دختر بر مبنای سبک حل تعارض مادر، شخصیت مادر، تعارض زناشویی مادر، و سبک حل تعارض دختر.

شماره شکل مدل	شاخص‌های برازش	نسبی تطبیقی با شاخص‌های مقتصد
۱. Chi-square/df	۲. معناداری آماری	۱. PCLOSE
کمتراز ۵	> 0/05	< 0/05
۱۵/۵۸ ÷ ۱۴ = ۱/۱۱	پایین	۱۲. RMSEA
۱		≤ 0/08
		۱۱. PCFI
		≥ 0/60
		۱۰. TLI
		≥ 0/90
		۹. IFI
		≥ 0/90
		۸. RFI
		≥ 0/90
		۷. CFI
		≥ 0/90
		۶. NFI
		≥ 0/90
		۵. AGFI
		≥ 0/90
		۴. GFI
		≥ 0/90
		۳. RMR
		۱/۳۲
		۰/۳۴

*. معیار قضاوت شاخص‌ها، دیلاها (Dilalla, 2000)، شاخص‌هایی که با علامت «-» مشخص شده‌اند، به علت ویژگی خاص مدل در تعداد متغیرها و پارامترهای مختلف، محاسبه نشده است.

اگر چه مقدار PCFI کمتر از حد مورد انتظار بوده ($P < ۰/۶۰$) اما همانطور که مقدار PCLOSE نشان می‌دهد، مقدار RMSEA بطور معناداری کمتر از حد بحرانی $۰/۰۵$ بوده است. بنابراین، مدل فوق، مدلی مقتصد بوده است. در مجموع، نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که مدل ارائه شده در شکل ۱، از برازش آماری لازم برخوردار بوده است.

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق با هدف بررسی رابطه سبک حل تعارض مادر، تعارض زناشویی مادر، شخصیت مادر و سبک حل تعارض دختر با تعارض مادر- دختر (تعارض دختر با مادر و تعارض مادر با دختر) و اکتشاف مدلی برای این رابطه انجام شد. همانطور که نتایج مطالعه در جداول ۱ تا ۴ و شکل ۱ نشان داد، در متغیرهای مختلف، توان تبیین متفاوت بوده و همه مولفه‌های یک متغیر در افزایش توان مدل مفید نبوده‌اند. بنابراین، رویکرد چند متغیری در تبیین و پیش بینی تعارض مادر- دختر از الزامات موثر واقع شدن مداخلات است.

محاسبه ضریب همبستگی نشان داد همه ابعاد تعارض زناشویی مادر (ادراک، تعامل، عاطفی، محیط و کنترل)، دو بعد سبک حل تعارض مادر (همکاری و انطباق)، سه بعد شخصیت مادر (توافق پذیری، روان رنجوری و تجربه گرایی) و سه بعد سبک حل تعارض دختر (همکاری، انطباق و اجتناب) رابطه معناداری با تعارض مادر با دختر داشتند. و همه ابعاد سبک حل تعارض دختر (همکاری، انطباق، اجتناب، رقابت و مصالحه)، همه ابعاد تعارض زناشویی مادر (محیط، تعامل، عاطفی، ادراک و کنترل)، دو بعد شخصیت مادر (روان رنجور و توافق پذیر) و سه بعد سبک حل تعارض مادر (همکاری، اجتناب و انطباق) رابطه معناداری با تعارض دختر با مادر داشتند (نگاه کنید به جدول ۱).

نتایج رگرسیون نیز نشان داد از بین این متغیرها، به ترتیب سبک حل تعارض همکاری مادر، بعد ادراک تعارض زناشویی، سبک حل تعارض همکاری دختر و بعد محیط تعارض زناشویی مادر نقش معناداری در تبیین تعارض مادر با دختر داشتند؛ و سبک حل تعارض همکاری دختر، بعد محیط تعارض زناشویی مادر، شخصیت روان رنجور مادر، سبک حل تعارض انطباقی دختر و سبک حل تعارض رقابت دختر نیز نقش موثری در تبیین تعارض دختر با مادر نشان دادند (نگاه کنید به جدول ۲).

همان‌گونه که مدل ارائه شده در شکل ۱ نشان داد؛ تعارض مادر با دختر و تعارض دختر با مادر تبیین متفاوتی دارند. در دختران، سبک حل تعارض دختر بیش‌ترین حجم تاثیر را به خود اختصاص داد (۵۵ درصد)، تعارض زناشویی مادر نیز (بعد محیط و ادراک) تاثیر مستقیمی بر

تعارض دختر با مادر نشان داد (۴۵ درصد). شخصیت مادر هم به طور مستقیم (۰/۱۸) و هم به صورت غیر مستقیم (۰/۱۴) با تاثیر گذاری بر سبک حل تعارض همکاری مادر و تعارض زناشویی مادر، نقش موثری داشت و در نهایت، سبک حل تعارض همکاری مادر نیز با واسطه تعارض زناشویی مادر و سبک حل تعارض دختر، نقش تاثیرگذاری در پیش بینی تعارض دختر با مادر داشت ($F=0/36$).

اما در مورد مادران، بیشترین حجم تاثیرپذیری از تعارض زناشویی بود (۲۹ درصد)، سبک حل تعارض همکاری مادر نیز هم به صورت مستقیم (۰/۱۶-) و هم غیر مستقیم (۰/۳۴-) با واسطه تعارض زناشویی مادر نقش موثری در تعارض مادر با دختر نشان داد (۲۵ درصد)، شخصیت مادر نیز به صورت کاملا غیر مستقیم به واسطه تاثیر بر سبک حل تعارض همکاری مادر، تعارض زناشویی مادر، و سبک حل تعارض دختر، نقش موثری داشت (۱۳ درصد)، سبک حل تعارض دختر نیز تاثیر مستقیمی بر تعارض مادر با دختر نشان داد (۹ درصد).

در تبیین بخش از یافته‌های این پژوهش مبنی بر نقش موثر سبک حل تعارض دختر (ابعاد همکاری و انطباق) و سبک حل تعارض مادر (بعد همکاری) بر تعارض مادر- دختر می‌توان گفت بعد همکاری که حاکی از سطح بالای علاقه به اهداف خویش، اهداف طرف مقابل و حل موفقیت آمیز مشکل است (Hocker & Wilmot, 2000)، به طرفین تعارض این امکان را می‌دهد به راه حل رضایت بخشی برسند و از شدت تنش بین آنها می‌کاهد. همچنین انطباق نیز که حاکی از سطح بالای علاقه به اهداف طرف مقابل است؛ می‌تواند یکی از طرفین را از صدمه زدن به دیگری منع کند و باخت را به حداقل را برساند (Hocker & Wilmot, 2000) و اجازه می‌دهد رابطه بدون هیچ گونه تعارض آشکاری ادامه یابد. بنابراین روشن است که کاهش استفاده مادر و دختر از این دو سبک، افزایش تعارض را در پی داشته باشد.

نتایج به دست آمده در زمینه نقش موثر سبک حل تعارض دختر و مادر بر تعارض مادر- دختر با نتایج پژوهش‌های رابین و فاستر (Robin & Foster, 1989)، داملا و بوتلا (Dumlao & Botta, 2000)، لانگ. آن. یو (Lang- Ann- Yu, 2000)، جفی و زاریلا (Jaffe & Zurilla, 2003)، ریسج، جکسون و چان چونگ (Risch, Jackson & Chanchong, 2003)، ماریل، برنج و ویم (Muriel, 2007)، برانج و ویم (Brange & Wim, 2007)، السویرا و برانا (Elvira & Bruna, 2009)، آرسیدیاکنا و بواب (Arcidiacono & Bovab, 2011) و رویز و همکاران (Roiz et al, 2012) همسو می‌باشد.

لانگ. آن. یو (Lang- Ann- Yu, 2000)، نشان داد هنگامی که خانواده‌های چینی برای حل تعارضات از استدلال و مذاکره (بعد همکاری) استفاده می‌کردند؛ از شدت تعارض بین اعضای

خانواده کاسته می‌شد. پژوهش جفی و زاریلا (Jaffe & Zurilla, 2003) نشان داد افزایش استفاده نوجوان و والدین از سبک حل تعارض همکاری و مذاکره و استفاده نوجوان از سبک انطباق با کاهش بزهکاری ارتباط دارد.

ماریل، برنج و ویم (Muriel, Brange & Wim, 2007)، نشان دادند، سبک‌های حل تعارض از روابط زناشویی به روابط والد-نوجوان انتقال می‌یابد و بین درگیری در تعارض و روش حل مساله مثبت در روابط زناشویی و نوع سبک حل تعارض والدین و نوجوان رابطه معنی داری وجود دارد. این پژوهش در تایید این یافته پژوهش حاضر نیز می‌باشد که سبک حل تعارض همکاری مادر، بیش تر به صورت غیرمستقیم و با واسطه تعارض زناشویی مادر بر تعارض مادر با دختر موثر بوده است.

نتایج پژوهش آرسیدیاکنا و بواب (Arcidiacono & Bovab, 2011)، نشان داد، وقتی مادران هنگام تعارض و اختلاف نظر با فرزندان خود، آنها را نصیحت و یا مجبور به پذیرش قوانین خود می‌کردند؛ شدت تعارض افزایش می‌یافت و هنگامی که مادران برای قوانین خود، استدلال می‌کردند و مشارکت بیش تری با فرزندان داشتند، از شدت تعارض کاسته می‌شد. این پژوهش، نشان داد که استفاده مادر از سبک حل تعارض همکاری، کاهش تعارض با فرزندان را در پی دارد.

بخش دیگری از یافته‌های این پژوهش حاکی از نقش موثر تعارض زناشویی مادر (ابعاد محیط و ادراک) بر تعارض مادر- دختر بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت اختلاف و درگیری‌های کلامی و فیزیکی والدین با یکدیگر بر تعامل آنها با فرزندان اثر دارد. به بیان دیگر آنها همان شیوه‌های حل مشکلات خود را (که مشاجره، درگیری و تضاد است) در ارتباط با فرزندان نیز ممکن است پیاده کنند (Shelton & Harold, 2007). دیویس و کامینگز (Davies & Cummings, 1994) نشان دادند بین تعارض والدین و مشکلات عاطفی (افسردگی و اضطراب) و رفتاری (پرخاشگری و بزهکاری) فرزندان رابطه وجود دارد.

نتیجه به دست آمده در زمینه نقش موثر تعارض زناشویی بر تعارض مادر- دختر، با نتایج پژوهش‌های بلاک، بلاک و موریسون (Bellak, Bellak & Morrison, 1981., cited in Gharehbaghy & vafaie, 2009)، دیویس و کامینگز (Davies & Cummings, 1994)، راتر (Rutter, 1977)، دایبل و مارکوئیز (Doyle & Makiewicz, 2005)، استوتزمن و همکاران (Stutzman et al, 2011) و شاین و همکاران (Shin et al, 2012) همسو می‌باشد.

بخش دیگری از یافته‌های این پژوهش نشان داد که شخصیت روان رنجور مادر نیز هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم با تاثیر بر تعارض زناشویی و سبک حل تعارض همکاری مادر بر

تعارض دختر با مادر موثر است، ولی در مورد تعارض مادر با دختر، تاثیر این متغیر کاملاً غیر مستقیم و با واسطه متغیرهای تعارض زناشویی، سبک همکاری مادر و سبک حل تعارض دختر می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که روان رنجوری نقطه مقابل سازگاری و ثبات عاطفی می‌باشد. تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی چون ترس، غم، دستپاچگی، عصبانیت و احساس گناه از ویژگی‌های افراد روان رنجور است (With et al, 2004). مادران روان رنجور نسبت به مادرانی که ثبات عاطفی دارند؛ کمتر قادر به کنترل تکانش‌های خود بوده و هنگام درگیری و تعارض، پرخاشگری بیش‌تر و سازگاری کمتری با مسائل نشان می‌دهند. بنابراین واضح است که این ویژگی‌ها کاهش سبک حل تعارض همکاری مادر و افزایش تعارض با همسر و فرزندان را در پی خواهد داشت.

طبق پژوهش دایل و مارکوئیز (Doyle & Makiewicz, 2005)، تعارض زناشویی باعث کاهش گرمی والدین و افزایش کنترل روانی نوجوان توسط والدین می‌شود و همین امر، کاهش سازگاری نوجوان، افزایش مشکلات برونسازي شده و تنش با والدین را در پی دارد. نتایج پژوهش استوتزمن و همکاران (Stutzman et al, 2011)، حاکی از آن بود که ارتباط قوی بین تعارض زناشویی آشکار و پنهان و رفتارهای درونسازي شده و برونسازي شده نوجوانان وجود دارد. شاین و همکاران (Shin et al, 2012) در پژوهش خود، تعارض زناشویی را علت بدرفتاری مادران و بدرفتاری مادران را علت پرخاشگری و ناسازگاری نوجوانان می‌دانند.

هرچند پژوهشی که دقیقاً مشابه یافته‌های این پژوهش باشد؛ و ابعاد شخصیت مادر را در تعارض مادر- دختر بررسی کرده باشد؛ یافت نشد ولی نتیجه به دست آمده با پژوهش‌های هاریگوپال (Harigopal, 1995)، هیون، نیوبری و ماک (Heaven, Newbury & Mak, 2004)، رابرت و همکاران (Robert & et al, 2009)، الیور، گورین و کافمن (Oliver, Guerin & Coffman, 2009) و هاور و همکاران (Haver et al, 2010) همسو می‌باشد.

هیون، نیوبری و ماک (Heaven, Newbury & Mak, 2004)، پژوهشی با عنوان تاثیر خصوصیات شخصیتی پدران و نوجوانان پسر بر بزهکاری و افسردگی نوجوانان انجام دادند. نتایج نشان داد قوی‌ترین پیش‌بینی کننده بزهکاری از بین ویژگی‌های پدران، روان رنجوری بالا، وجدان‌گرایی و وظیفه‌شناسی پایین بود. قوی‌ترین پیش‌بینی کننده‌های افسردگی نوجوان نیز گرمی و محبت کم و درونگرایی پدران بود. رابرت و همکاران (Robert & et al, 2009) نشان دادند هم شخصیت نوجوان و هم شخصیت مادر به طور معنی داری سه حوزه سبک فرزندپروری (فرزندپروری مثبت، نظارت ضعیف و تنبیه بدنی) را پیش‌بینی می‌کند. و این سبک‌های

فرزندپروری بر شدت تعارض ادراک شده از سوی نوجوان و مادر موثر می‌باشد. هاور و همکاران (Haver et al, 2010)، نیز ویژگی شخصیتی والدین (میزان درونگرایی- برونگرایی، توافق پذیری و ثبات هیجانی و عاطفی والدین، میزان حمایت، خودکامگی و کنترل نوجوان توسط والدین) را بر سبک فرزندپروری موثر می‌دانند.

یکی از نتایج مهم این تحقیق که می‌توان به آن اشاره کرد؛ نقش موثر و مستقیم تعارض زناشویی مادر و نقش واسطه‌ای این متغیر در سبک حل تعارض همکاری مادر و شخصیت روان رنجور مادر بر تعارض مادر- دختر می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای کاهش تعارض مادر- دختر، یکی از تاکیدات اصلی مداخلات، کاهش تعارضات زناشویی، بویژه در بعد محیطی و ادراکی باشد.

با توجه به اینکه سبک حل تعارض دختر بیش‌ترین نقش را در تعارض دختر با مادر ایفا کرد؛ یکی از مهمترین مداخلات برای کاهش تعارض دختر با مادر، آموزش مهارت حل تعارض به دختران می‌باشد که پیشنهاد می‌شود این آموزش با آموزش سبک حل تعارض به مادران (بویژه مادرانی که ثبات هیجانی پایینی دارند) همراه باشد؛ زیرا حتی اگر مداخلات، همکاری در سبک حل تعارض دختر را افزایش دهد، پایین بودن همکاری در سبک حل تعارض مادر می‌تواند اثر درمان را کاهش دهد.

نکته جالب دیگر که در نتایج این پژوهش مشاهده شد این بود که اگرچه در محاسبه اولیه همبستگی‌ها (جدول ۱)، رابطه بین تعارض مادر و تعارض دختر (دو متغیر ملاک)، قابل ملاحظه بود ($R^2=0/26$ ، $r=0/51$)، با در نظر گرفتن نقش سایر متغیرهای مدل، تعارض مادر با دختر و تعارض دختر با مادر، هیچ ارتباط معناداری با هم نداشتند. یکی از نتایج عملی این یافته می‌تواند این باشد که صرف اینکه مادران تعارض خود را با دختران کاهش دهند، تقریباً هیچ تاثیری بر کاهش تعارض دختران با مادران نخواهد داشت بلکه برای کاهش پایدارتر و موثرتر در تعارض دختران با مادران، مادران باید در تعارضات زناشویی (بویژه در بعد محیطی)، سبک حل تعارض (بویژه در بعد همکاری) و عادت‌های شخصیتی خود (بویژه، در بعد روان رنجوری)، تغییر ایجاد نمایند.

بنابراین پیشنهاد می‌شود برای کاهش تعارض مادر- دختر، علاوه بر کاهش تعارضات زناشویی مادران، در سبک حل تعارض نیز افزایش گرایشات به سبک همکاری، هم برای مادران و هم برای دختران یکی از مهمترین تاکیدات مداخلات تدبیر شده باشد. هم‌چنین با توجه به نتایج پژوهش، شخصیت روان رنجور مادر هم به صورت مستقیم موجب افزایش تعارض دختر با مادر می‌شود و

هم می‌تواند موجب افزایش تعارض زناشویی مادر (ابعاد ادراکی و محیطی) و کاهش تمایل به سبک حل تعارض همکاری (ر.ک، شکل ۱) شود؛ بنابراین تاکید بر اصلاح و بهبود عادات بعد روان رنجورانه شخصیتی نیز باید مورد توجه مداخلات باشد. بویژه در مادرانی که روان رنجوری بالایی دارند؛ مشاوران خانواده باید به آموزش سبک حل تعارض و راهکارهای مقابله موثر با تعارضات زناشویی نیز تاکید کنند.

هم‌چنین پیشنهاد می‌شود در آموزش‌های پیش از ازدواج به مسئله آموزش راهبردهای حل تعارض و ارتقای راهبردهای همکاری در زوجین بویژه در زنان تاکید ویژه‌ای داشته باشند تا بدین روش از احتمال بروز تعارض زناشویی و تعارض مادر- دختر در مراحل بعدی زندگی کاسته شود. در مجموع متغیرهای ارایه شده در این پژوهش، در تبیین تعارض مادر با دختر ضعیف تر عمل کردند (۵۹ درصد برای تعارض مادر و ۷۱ درصد برای تعارض دختر). این مسئله تاییدگر این ادعا می‌باشد که تبیین و پیش بینی تعارض مادران با دختران می‌تواند پیچیدگی بیش تری داشته باشد. بنابراین، پژوهش‌های بعدی می‌توانند این پیچیدگی را بیش تر مورد بررسی قرار دهند. پیشنهاد می‌شود این پژوهش روی سایر گروه‌های سنی نیز انجام شود. هم‌چنین در این پژوهش فقط به تعارض مادر- دختر پرداخته شد، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده در خصوص پسران نیز تحقیق صورت گیرد و به تعارض بین فرزندان و پدر نیز پرداخته شود؛ تا بتوان یافته‌های زوج‌های مختلف والد- نوجوان را با یکدیگر مقایسه کرد. جامعه آماری مورد مطالعه مربوط به نوجوانان دختر شهرستان نایین و مادران آنها می‌باشد، بنابراین تعمیم آن به سایر جوامع باید با احتیاط صورت گیرد.

Reference

- Allison, B. N. & Jearlyn, B. S. (2004). Prent-adolescent conflict in early adolescence. *Journal article excerpt*, 39, 156- 178.
- Anderson, E, R., Hetherington, E. M., & Clingempeel, W. G. (1989). Transformations in family relations at puberty: Effects of family context. *Journal of Early Adolescence*, 9 (3), 310- 334.
- Arcidiacono, F., & Bova, A. (2011). Argumentative strategies for conflict management and resolution in Italian and Swiss families, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 30, 1385- 1389.
- Bashardoost S, 2005. The relationship between marital conflicts with adjustment of middle school adolescent girls in Tehran. *Journal of Knowledge and Research in Psychology*. 24: 39- 58. (Persian).
- Blong Xiong, Z., Tuicomepee, A., & Retting, A. (2008). Adolescents' Problem Behaviors and Parent Adolescent Conflicts in Hmong Immigrant Families. *Hmong Studies Journal*, (9), 1-21.
- Cummings, E. M., Kouros, C. D., & Papp, L. M. (2007). Marital aggression and children' s responses to everyday inter parental conflict. *European Psychologist*, 12, 17- 28
- Davies, P. T., & Cummings, E. M. (2006). *Inter parental discord, family process, and developmental psychopathology*. In D. Cicchetti & D. J. Cohen (Eds). *Developmental psychopathology: Risk, disorder, and adaptation* (2nd. Ed., 86- 120). New York: Wiley.
- Dilalla, L. F. (2000). Structural Equation Modeling: Uses and Issues. In H. E. A. Tinsley & t. D. Brown (Eds.), *Handbook of Applied Multivariate Statistics and Mathematical Modeling* (pp. 438-465). California: Academic Press.
- Doh, H. S., Shin, N., Kim, M. G., Hong, G., Choi, M., & Kim, S. (2012). Influence of marital conflict on young children's aggressive behavior in South Korea: The mediating role of child maltreatment. *Children And Youth Services*, 34, 1742- 1748.
- Dumlao, R & Botta, R. (2000). *Family communication pattern and the style young adults use their father*.
- Elvira, C., & Bruna, Z. (2009). Conflict Styles and Outcomes in Families with Adolescent Children, *Journal of Family Psychology*, (4), 88-99.

Gharehbaghy, F., Aguilar-Vafaie, M. (2009). The role of marital conflict and family emotional security in children's physical and psychosocial health. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 15 (4), 359- 367. (Persian).

Grief, E. B., & Ulman, K. J. (1982). The psychological impact of menarche on early adolescent females: A review of the literature. *Child Development*, 53, 1413- 1430.

Hair, E., More, K., Hadley, A., Kaye, K., Day, R., & Other, D. (2009). *Parent Marital Quality and the Parent- Adolescent Relationship: Effective Adolescent and young adult health outcomes*. Academic Research Library (Document ID: 1836693871).

Hall, J. A. (1997). Parent- adolescent conflict: An empirical review. *Journal of adolescence*, 22, 767- 789.

Heaven, P. CL., Newbury, K., & Mak, A. (2004). The impact of adolescent and parental characteristics on adolescent levels of delinquency and depression. *Personality and Individual Differences*, 36, 173- 185.

Hocker, A & Wilmot, W. (2000). *Interpersonal conflict*. (4th ed). Dubuque: Brown and Benchmark.

Huver, R., Otten, R., Vries, H., & Rutger, C. (2010). Personality and parenting style in parents of adolescents. *Journal Of Adolescent*, 33, 395- 402.

Jaffe, W. B., & Zurilla, T. G. D. (2003). Adolescent problem solving, parent problem solving and externalizing behavior in adolescents. *Behavior Therapy*, 34, 295- 311.

Krishnan, M.S. (2004). *Parent- adolescent conflict and adolescent functioning in a collectivist, ethnically heterogonous culture: Malaysia*. Doctoral dissertation, Ohio state university

Doyle, A., & Markiewicz, D. (2005). Parenting, marital conflict and adjustment from early- to mid- adolescent: Mediated by adolescent Attachment Style?. *Journal of Youth and Adolescence*, 34, 97- 110.

Lang, Ann. Yu. (2000). Parent- Adolescent conflict and resolution in Chinese and American families. *Journal Of Adolescent*, 33, 403- 412.

Laursen, B., & Koplas, A. L. (1995). What's important about important conflicts? Adolescents' perceptions of daily disagreements. *Merrill-Palmer Quarterly*, 41 (4) 536-553.

Marceau, K., Dorn, L. D., & Susman, E. J. (2012). Stress and puberty- related hormone reactivity, negative emotionality, and parent-adolescent relationships. *Journal of Youth and Adolescence*, 37, 1286-1298.

Moitra, T., & Mukherjee, I. (2012). Parent- adolescent communication and delinquency: A comparative study in Kalkata, India. *Europe's Journal of Psychology*, 8, 154- 166.

Muriel, D. V., Brange., S. J. T., & Wim, H. J. M. (2007). Long autodial transmission of conflicts resolution styles from marital relationships to adolescent- parent relationships. *Journal of Family Psychology*, 21, 423- 431.

Oliver, P. H., Guerin, D. W., & Coffman, J. K. (2009). Big five parental personality traits, parenting behavior problems: A mediation model. *Personality and Individual Differences*, 47, 631- 636.

Prata, P. L. (2006). *Mother- adolescent conflict and relationship quality in youth with and without behavior problems*. Florida Atlantic University.

Rahim, M & Magner, N. (1995). Confirmatory factor analysis of the styles of handling interpersonal conflict: first order factor model and its invariance across groups. *Journal of applied psychology*, 80(1), 458-465.

Reiesch, S. K., Jackson, N., & Changchong, W. (2003). Communication approach to parent- child conflict: young adolescence to young adult. *Journal of Pediatric Nursing*. 18(4), 244- 256.

Robin, A. L., & Foster, S. L. (1989). *Negotiating parent-adolescent conflict*. New York: Guilford Press.

Robert, D., Latzman, A., Elkovitch, N., & Clark, L.A. (2009). Predicting parenting practices from maternal and adolescent sons' personality. *Journal of Research in personality*, 43, 847- 855.

Ruiz, M., Rodrigo, M., Andres, J., Cabrera, H., Luisa, M., & Dekovic, M. (2012). Resolution of parent-child conflicts in the adolescence. *Eur J Psychology Educ*, 32, 101- 117.

Sanayi zaker, B., (2008). *Measures of family and marriage*. Tehran: Besat Press. (Persian).

Shek, D. T. L., & Ma, H. K. (2001). Parent-adolescent conflict and adolescent antisocial and prosocial behavior: A longitudinal study in a Chinese context Adolescence. *Journal of Adolescence*, 36(143), 545-555.

Shelton, K. H., & Harold, G. T. (2007). Marital Conflict and Children's Adjustment: The Mediating and Moderating Role of Children's Coping Strategies. *Social Development*, 16 (3), 497- 512.

Steinberg, L., & Silverberg, S. (1990). The vicissitudes of autonomy in early adolescence. *Child Development*, 57, 841- 851.

Stutzman, S., Bean, R., Miller, R., Day, R., & Moore, A. (2011). Marital conflict and adolescent outcomes: a cross-ethnic group comparison of latino and European American youth. *Children And Youth Services Review*, 33, 663- 668.

Taylor, S. E., Aspinwall, L. T. G., Guilliano, T. A., Dakof, G. A. & Reardon, K. K. (1993). Story telling and coping with stress full events. *Journal of Applied social Psychology*, 23(9), 703- 733.